

نقش بلندی‌های جولان در آینده‌ی گفت و گوهای سوریه و رژیم صهیونیستی

حمید بیات^۱

بخش اول: موقعیت جولان

الف) موقعیت جغرافیایی بلندی‌های جولان

بلندی‌های جولان جزئی از استان قنیطره می‌باشد که در بخش جنوبی سوریه بین لبنان- اردن واقع شده است. مساحت کل آن حدود ۱۸۰۰ کیلومتر مربع و طول مرزهایش با فلسطین در حدود ۱۰۰ کیلومتر و عرض آن ۲۰ کیلومتر و متشکل از دو رشته کوه است. رشته کوه اول از شمال غربی شهر قنیطره شروع شده و به طرف جنوب شرقی، امتداد می‌یابد. رشته کوه دوم از جنوب قنیطره تا روستای "الرفید" و در جهت شمال غربی به جنوب امتداد می‌یابد. قبل از سال ۱۹۶۶ این بلندی‌ها به دو منطقه‌ی اداری تقسیم شده بود.^(۱)

(۱) منطقه‌ی قنیطره تابع استان دمشق

(۲) منطقه‌ی فیق تابع استان درعا

در سال ۱۹۶۶ دولت سوریه این دو منطقه را به صورت یک واحد اداری به نام استان قنیطره که مرکز اداری آن شهر قنیطره می‌باشد، ادغام نمود. ناهمواری‌های جولان به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. حمید بیات، سرپرست اداره اول خاورمیانه‌ی عربی و شمال افریقای وزارت امور خارجه است.

۱) شمالی: که از تل العزیزیات شروع و به پل دختران یعقوب منتهی می‌شود.
 ۲) وسط: از پل دختران یعقوب شروع شده و به جنوب دریاچه‌ی طبریا و در امتداد ساحل شرقی این دریاچه تا دره‌ی سمخ امتداد می‌یابد.
 ۳) جنوبی: از دره‌ی سمخ در جنوب دریاچه‌ی طبریا شروع و تا رودخانه‌ی یرموک ادامه می‌یابد. این بخش کوچک‌ترین و ناهموارترین بخش جولان می‌باشد.
 به دلایل زیر بلندی‌های جولان در مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل از اهمیت خاصی برخوردار است:

الف) این بلندی‌ها جزئی از نقشه‌ی صهیونیستی اسرائیل بزرگ است.
 ب) منطقه‌ی جولان، منطقه‌ی کوهستانی است که بر مناطق مجاور خود در فلسطین، سوریه، لبنان و اردن اشراف دارد و از این رو یک موضع مهم نظامی و راهبردی هم برای اعراب و هم برای اسرائیل محسوب می‌شود.^(۲)
 ج) این منطقه بر بخش اعظم منابع آب در فلسطین، سوریه، لبنان و اردن سیطره دارد.

ب) چشم‌داشت‌های صهیونیست‌ها نسبت به این منطقه

طمع صهیونیست‌ها نسبت به بلندی‌های جولان به اواخر قرن ۱۹ برمی‌گردد. به طوری که جنبش صهیونیسم، بلندی‌های جولان را بخشی از اسرائیل بزرگ می‌دانست. این جنبش سعی کرد موافقت بین‌المللی را نسبت به این مرزها جلب نماید. روتچیلد در تلاش‌هایی برای اخذ موافقت حاکمان عثمانی برای ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در منطقه‌ی جولان با شکست مواجه شد. هم‌چنین جنبش صهیونیستی، موافقت فرانسه و انگلیس را به منظور ضمیمه کردن جولان به سرزمین‌هایی که شامل وعده بالفور می‌شد، نتوانست به دست آورد زیرا خود این دولت‌ها نسبت به جولان چشم طمع داشتند.

طمع بسیار صهیونیست‌ها نسبت به سرزمین جولان در خلال یادداشت‌ها، اظهارات و بیانیه‌های صادره از سوی رهبران جنبش صهیونیستی مشاهده می‌شود. دیرید بن گوریون یکی از رهبران این جنبش طی نامه‌یی به حزب کارگر انگلیس در سال ۱۹۱۸ خواستار تسلط بر بلندی‌های جولان به منظور در اختیار داشتن آب رودخانه‌های یرموک و اردن توسط

صهیونیست‌ها شد. سازمان جهانی صهیونیسم طی یادداشتی به کنفرانس صلح و رسای در سال ۱۹۱۹ خواستار انضمام جولان و جبل الشیخ به "وطن قومی یهودیان" شد. در نامه‌ی حیم وایزمن به لوید جورج نخست وزیر بریتانیا در آخرین روزهای ۱۹۱۹ این گونه آمده است: (۳)

"... صهیونیست‌ها تحت هیچ شرایطی خط تقسیم سایکس-پیکو را حتی به عنوان یک مبدأ برای مذاکره نخواهند پذیرفت، زیرا این خط، فلسطین تاریخی را جدا نکرده است و نه تنها منابع آب رودهای اردن و لیطانی را از آن قطع نموده بلکه این وطن قومی را از بهترین مناطق اسکان یهودیان در جولان و حوران که به مقدار زیادی موفقیت طرح به آن بستگی دارد، محروم نموده است."

شکی نیست که این نامه‌ها و یادداشت‌ها از میان ده‌ها و بلکه صدها نامه و سندی است که برچشمداشت صهیونیسم نسبت به مناطق عربی اطراف فلسطین و در راس آن‌ها بلندی‌های جولان تاکید می‌نماید.

این طمع‌ها رؤیایی بود که رهبران صهیونیسم تا ژوئن ۱۹۶۷ در سرمی‌پرواندند و در این سال بعد از حمله‌ی اسرائیل به سوریه ۱۵۰۰ کیلومتر مربع از اراضی جولان که در آن زمان بیش از ۱۵۳/۰۰۰ نفر در ۲۵۷ شهر و روستا در آن ساکن بودند و به امور کشاورزی و دامپروری مشغول بودند، تحت اشغال درآمد.

تجاوز و حمله به این نقطه از اراضی اعراب که در مجاورت سرزمین فلسطین واقع شده است نه تنها به خاطر موقعیت راهبردی و مسلط بودن بر منابع آب آن بلکه به خاطر این بود که اسرائیلی‌ها معتقدند که بلندی‌های جولان بخشی از اراضی اسرائیل است و منابع مختلف صهیونیستی بر این نکته تأکید دارند که بلندی‌های جولان در رأس مهم‌ترین مناطق اعراب است که آنها باید هر چه سریع‌تر به ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در آنجا اقدام نموده و چهره‌ی عربی آن را به یهودی تغییر دهند.

اسرائیلی‌ها با اشغال سرزمین جولان در سال ۱۹۶۷ به بخشی از امیال خود تحقق بخشیدند و در سایه‌ی این کار توانستند امنیت کاملی را برای ساکنین مناطق الجلیل - دشت

مرج بن عامر منطقه‌ی حوله و طبریا که همواره از گلوله باران شهرک‌های خود توسط سوری‌ها در هراس بودند، فراهم نمایند و این اشغال منجر به سه مسأله‌ی دیگر شد:

۱) اشراف و تسلط بر اراضی سوریه تا دمشق

۲) ایجاد یک منطقه‌ی امنیتی بدون سلاح

۳) تسلط بر منابع اصلی آب

اظهارات اسراییلی‌ها از آن زمان تا به حال نشان می‌دهد که اکثر آنها خواهان حفظ بلندی‌های جولان و عدم عقب‌نشینی از آن می‌باشند و این دیدگاه با اقدام‌های عملی در اراضی جولان همراه بود که از نشانه‌های آن می‌توان اخراج ساکنین عرب از آنجا و ویران نمودن شهرها و روستاها را ذکر کرد. به طوری که تعداد سوری‌هایی که توسط مقام‌های اشغالگر بعد از اشغال جولان اخراج شده‌اند به ۱۲۰ هزار نفر می‌رسد.

از اولین روزهای اشغال جولان، دولت اسراییل به طور گسترده اقدام به تسطیح اراضی نمود. این اقدام‌ها توسط اداره‌ی اسکان که زیر نظر سازمان جهانی یهود اداره می‌شود و وزارت کشاورزی، موسسه‌ی فولکانی، شرکت برنامه‌ریزی آب و صندوق کمک‌های مالی صورت گرفت. این موسسات در انجام کارهایشان از اسناد سوری که در پی اشغال قنطره به دست آمد، استفاده‌ی زیادی نمودند و بعد از تسطیح اراضی در جولان دفتر اسکان در منطقه‌ی "جلیل" تحقیقاتی را برای گسترش کشاورزی در این منطقه تحت عنوان "جولان نامزد اجرای طرح سریع گسترش کشاورزی" انجام داد.^(۴)

در این تحقیقات بر کشاورزی در مراحل اولیه به عنوان سنگ بنای ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین تأکید شد. زیرا کشاورزی وسیله‌ی مهمی در راستای تسلط بر اراضی و دخالت سریع می‌باشد. در نتیجه‌ی این تحقیقات منطقه‌ی جولان به چهار قسمت جغرافیایی که برای ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در نظر گرفته شد، تقسیم گردید.

۱) دامنه‌های جبل الشیخ در شمال جولان - در نتیجه‌ی تلاش‌های اداره‌ی اسکان برای اصلاح اراضی در این منطقه تا به حال ۱۴ هزار دونم^۱ زمین تسطیح و مزارع پرورش دام ایجاد گردیده و بخشی از این اراضی را تحت کشت انواع سبزی و پرورش گل و درخت میوه قرار داده

۱. هر "دونم" برابر با هزار متر مربع می‌باشد.

و اقدام‌هایی را جهت اجرای پروژه‌های جهانگردی در این منطقه شروع نموده‌اند. (۲) وسط جولان و مناطق ناهموار آن - این بخش از جولان برای استفاده در زمینه‌های صنعت و خدمات و جهانگردی در نظر گرفته شده است. اداره‌ی اسکان برای ساخت شهرک‌های یهودی نشین در این بخش با مشکل روبه‌رو شده است و این منطقه بعد از جنگ ۱۹۷۳ به یک منطقه‌ی نظامی برای دفاع در مقابل حملات زرهی و ایجاد پایگاه‌های موشکی مبدل گردید.

(۳) جنوب جولان - ارتفاع این منطقه از سطح دریا بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ متر می‌باشد. مقام‌های مربوط در دولت اسرائیل طرح‌ها و برنامه‌هایی را برای انتقال بخشی از آب دریاچه‌ی طبریا به این منطقه برای کشاورزی و دام‌پروری و پرورش ماهی اجرا نموده‌اند.

(۴) پستی‌های جولان که از ساحل دریاچه‌ی طبریا تا رود یرموک امتداد دارد - مساحت اراضی قابل کشت در این منطقه نزدیک به ۱۲ هزار دونم می‌باشد و اسرائیل این منطقه را برای کاشت درخت‌های میوه و ایجاد مراکز جهانگردی در نظر گرفته است.

بعد از گذشت مدت اندکی از این تقسیم‌بندی، گروهی از جنبش "کیبوتس"^۱ یک شهرک یهودی نشین را در کنار روستای "نفخ" به نام "میروم هجولان" ایجاد نمودند و بعد از گذشت کمتر از یک سال از زمان اشغال جولان، دولت اسرائیل اعلان کرد که تعدادی شهرک یهودی نشین از نوع "ناحال"^۲، "کیبوتس" و "موشاف"^۳ در جولان بنا گردیده است و هم‌چنین اعلان کرد که در این منطقه جاده‌هایی احداث و قسمتی از اراضی تسطیح شده و شهرک‌های یهودی نشین در واحدهایی که از طرف دفتر اسکان معین شده بود، تأسیس گردید که به شرح زیر می‌باشد: (۵)

الف) در منطقه‌ی شمال، مجموعه‌ی شهرک‌های "میرم هجولان"، "عین زیوان"، "الروم"، "تل الشیخه" و "کیبوتس سنیز" نزدیک "بانیاس"

ب) در منطقه‌ی جنوب، مجموعه‌ی شهرک‌های "مغشیم"، "تل زایت"، "راموت"،

۱. "کیبوتس" به تعاونی‌های کشاورزی در اسرائیل گفته می‌شود.

۲. "ناحال" معمولاً به شهرک‌هایی که بیشتر جنبه نظامی و دفاعی دارد اطلاق می‌شود.

۳. "موشاف" به تعاونی‌های صنعتی و حرفه‌یی گفته می‌شود.

“کفارحانات”، “حصفات”، “بوآق” و مرکز “بنی‌یهودا” و “ینئون جولان” و “کفار مارب” و “فیق”.

ج) در منطقه‌ی وسط، به جز شهرک “ناحال مبیشور” شهرک دیگری ساخته نشده بود و در خلال سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹، ۱۱ شهرک غیرنظامی ایجاد گردید که بیشتر آزمایشی و تجربی به حساب می‌آمدند. ایجاد این شهرک‌ها با صرف هزینه‌های گزافی برای ساختن ساختمان و اصلاح اراضی همراه بود. کار ایجاد شهرک‌ها به سرعت انجام می‌گرفت و به سرعت هم ترک می‌شد. اما ایجاد مهاجرنشین‌ها با شک و دودلی از طرف حکومت روبه‌رو بود. تا سال ۱۹۷۳ تعداد شهرک‌ها در بلندی‌های جولان به ۲۰ شهرک رسید و در خلال سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ برای ساکنین این شهرک‌ها یک ثبات نسبی برقرار گردید و در ظرف این مدت شهرک‌های “ناحال” به شهرک‌های غیرنظامی تبدیل شدند. از آن‌جا که طبیعت اراضی جولان عاملی بود که مهاجرین یهودی کمتر می‌پذیرفتند و در آنجا سکنی نمایند، این امر اداری اسکان را مجبور کرد که طرح‌های اسکان کشاورزی را کاهش داده و به جای آن به بخش جهانگردی و صنعت توجه نماید و در این راستا مجموعه‌یی از “ناحال” در اکتبر ۱۹۷۱ و یک پیست اسکی به نام “نقی اطفیف” در سمت غربی جولان ایجاد نمودند.

در ماه اوت ۱۹۷۲ یک روستای تعاونی متشکل از کارگران کارخانه‌یی که وابسته به صنایع هوایی بود، ایجاد گردید. هم‌چنین در آن زمان مجموعه‌یی از تعاونی‌های مسکن که دارای گرایش‌های اجتماعی و حزبی یک سان بودند، تأسیس گردید و تا جنگ اکتبر ۱۹۷۳ سه گروه از این نوع تعاونی‌ها - که ۷۰ درصد اعضای آن یهودی بودند - در کنار گروه دیگری که در نزدیکی شهر قنیطره بر روی اراضی جولان ساخته شده بود، تأسیس گردیدند.

بعد از جنگ ۱۹۷۳ رهبران اسرائیلی بر ضرورت در اختیار داشتن جولان و عدم عقب‌نشینی و حفظ آن به عنوان بازدارنده در مقابل هجوم احتمالی سوریه تأکید نمودند و اداری اسکان به طور جدی راه‌ها و روش‌های جدید برای تشویق اسکان در بلندی‌های جولان و گسترش شهرک‌ها و افزایش و تقویت آنها از نظر نظامی را دنبال نمود، جنگ ۱۹۷۳ منجر به تعدیل برنامه‌های اداری اسکان از نظر جغرافیایی، کیفیت ساکنان و شهرک‌ها شد و در مرحله‌ی بعد از جنگ اکتبر، توجه اسکان و ایجاد شهرک‌ها از نواحی شمال و جنوب جولان

به منطقه‌ی وسط معطوف گردید و این بخش به صورت یک بخش حیاتی که از اهمیت قومی بسیار بالایی برخوردار بود، مبدل شد. در برنامه‌ریزی جدید اداره‌ی اسکان توجه به گسترش صنعت، از اولویت بالایی برخوردار گشت و طرح کلی اداره برای سرزمین جولان این‌گونه عنوان شد: "... شهرک‌ها باید یک چهره‌ی صنعتی به خود بگیرند و هدف از آن گسترش صنعت بعد از بهره‌برداری از منابع کشاورزی می‌باشد" و در این طرح بر ضرورت تأسیس ایجاد خط اولی مرکب از شهرک‌های شبه کشاورزی و مجموعه‌یی از روستاهای صنعتی تأکید شده بود.

با افزایش صحبت‌ها نسبت به عقب‌نشینی احتمالی اسرائیل از جولان در خلال سال ۱۹۷۴ نمایندگان شهرک‌های جولان در شهرک "کفار عیتوس" به خاطر خنثی کردن هرگونه طرح جدید عقب‌نشینی از مناطق باقی مانده، اجتماعی را ترتیب دادند و خواستار حمایت از شهرک‌ها و گسترش آنها و ایجاد شهرک‌های جدید شدند و اعلان کردند که "تمامی شهرک‌های موجود در جولان بخشی از سرزمین آنهاست و هرگونه تغییر در هر یک از شهرک‌ها به منزله‌ی مقابله با کل قضیه‌ی اسکان به حساب خواهد آمد."

سپس هیأتی از این جمع با گلداماير نخست وزیر وقت اسرائیل دیدار کرد. گلداماير در پاسخ به آنها اظهار داشت که "نگرانی شما درخصوص آینده‌ی جولان و همه‌ی شهرک‌ها بی‌جهت می‌باشد و جولان بخش لایته‌جزای دولت یهود باقی می‌ماند". وی در این دیدار نسبت به توسعه‌ی جولان و ایجاد شهرک‌های جدید در آنجا اظهار تمایل نمود.

ج) جداسازی نیروها:

در ۳۱ ماه مه ۱۹۷۴ موافقتنامه‌ی جداسازی نیروهای سوریه و رژیم اشغالگر به امضا رسید و در اثر این موافقتنامه بخش اعظم شهر قنيطرة تحت اداره‌ی غیرنظامی سوریه درآمد و حومه‌ی غربی شهر و کلیه‌ی تپه‌های آتش فشانی اطراف تحت تسلط نیروهای اشغالگر باقی ماند و بعد از گذشت چند روز از امضای موافقتنامه، کمیته‌ی ویژه‌ی شهرک‌های جولان از رژیم تل آویو درخواست کرد که ۵ شهرک جدید در بخش اول منطقه‌ی وسط ایجاد نماید.

سازمان‌های صهیونیستی افراطی نقش بارزی در فشار بر دولت اسرائیل در جهت حفظ جولان و رد هرگونه عقب‌نشینی از آن بازی می‌کنند.

تعداد ساکنین یهودی اراضی اشغالی جولان در خلال سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۳ به ۲۱۰۰ نفر افزایش یافت و در خلال ۱۹۷۶-۱۹۷۷ پنج مکان دیگر در خط اول و یک روستای صنعتی و ۵۰۰ واحد مسکونی ساخته شد و تعداد ساکنین یهودی در جولان تا سال ۱۹۷۷ به ۳۸۵۰ نفر بالغ گردید.

روزنامه‌ی اسرائیلی "هاآرتص" در تاریخ ۱۹۸۸/۱۱/۳۰ نوشت: "هدف طرح اداری اسکان برای سال‌های آینده، اسکان ۴۴ هزار یهودی که بخش اعظم آنها در ۳۳ شهرک کشاورزی و بیلاقی و بقیه در شهر "کتسرین" که توسعه خواهد یافت، می‌باشد" و جزییات طرح مذکور را به شکل زیر ترسیم کرد:

"ایجاد ۱۴ شهرک جدید در جنوب، ۹ شهرک در وسط و ۱۱ شهرک در شمال و برای ایجاد آن باید در حدود ۲۴ هزار دونم زمین تسطیح شود و به مقدار ۳۶ هزار متر مکعب آب فراهم شود."

کمیته‌ی اسکان (شهرک‌سازی) که متشکل از نمایندگان دولت و سازمان جهانی یهودیان می‌باشد، سال بعد طرح "آریل شارون" وزیر کشاورزی وقت، درخصوص ایجاد ۶۲۰۰ واحد مسکونی در جولان که ۵۰۰ واحد آن برای گسترش و توسعه‌ی شهر "کتسرین" در نظر گرفته شده بود را تصویب کرد. هزینه‌ی این طرح ۱۵ میلیارد لیر^۱ اسرائیل برآورده شده بود. عملیات ساخت شهرک‌ها ادامه یافت و تعداد ساکنین در سال ۱۹۷۹ به ۴۳۰۰ نفر بالغ گردید و تعداد شهرک‌ها به ۲۸ عدد رسید. اداره‌ی اسکان در گزارش مورخ ۱۹۷۸/۲/۲۳ خود ذکر می‌کند: "... وضعیت سیاسی و آرامش نسبی در زمینه‌های امنیتی به ما این فرصت را می‌دهد که از زمان لازم حداکثر استفاده را در جهت گسترش شهرسازی در جولان و افزایش شهرسازی را در اسرع وقت ممکن، عملی نماییم."

۱. در سال ۱۹۸۰ واحد پول رژیم صهیونیستی از لیر به شکل Shekel تغییر یافت.

د) طرح‌های انضمام جولان به اسرائیل

از زمان اشغال بلندی‌ها جولان توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷، برای ضمیمه نمودن قطعی جولان به اسرائیل و خارج ساختن جولان از شمول قوانین اراضی اشغالی طرح‌هایی مطرح گردید که مهم‌ترین آن به شرح زیر است:

۱) طرح ایگال آلون

آلون طرح خود را در سال ۱۹۷۶ زمانی که عضو هیأت دولت بود، ارایه و در آن پیشنهاد کرد: "... اگر اسرائیل منطقه‌ی راهبردی جولان را حفظ نماید می‌تواند از امکان دست‌یابی سوریه به منابع آب و هجوم ناگهانی به منطقه‌ی جلیل ممانعت به عمل آورد." خط مرزی پیشنهادی در طرح آلون از جبل الشیخ تا رود یرموک به صورت یک خط منحنی موازی با خط آتش بس امتداد می‌یابد و براساس طرح آلون، بخش اعظمی از اراضی جولان تحت تسلط اسرائیل باقی خواهد ماند.

۲) طرح حزب ما بام

این طرح در نیمه‌ی دوم سال ۱۹۷۶ در خلال کنگره‌ی عمومی حزب مطرح شد. مرز پیشنهادی در این طرح از روی بلندی‌های جولان می‌گذرد، به طوری که امنیت شهرک‌های جلیل علیا و مناطق پست کرانه‌ی غربی رود اردن را تضمین نماید و منطقه‌ی بی‌صورت خالی از سلاح باقی بماند.

کمیته‌ی اسکان جولان یک حرکت تبلیغاتی گسترده را در خلال سال ۱۹۷۹ به منظور تحت فشار قراردادن دولت اسرائیل درخصوص سرعت بخشیدن به مسأله‌ی انضمام جولان و افزایش شهرک‌ها و گسترش آنها آغاز نمود و طوماری به عنوان جولان جزء جدایی ناپذیر اسرائیل را تهیه و ۷۴/۵۰۰ امضا جمع‌آوری کرد. در این طومار - که به دولت ارایه شد - آمده است:

"من امضاکننده‌ی زیر به حرکتی که معتقد است بلندی‌های جولان بخش جدایی ناپذیر از اسرائیل و تسلط بر آن تضمین‌کننده‌ی امنیت و صلح است، می‌پیوندم" و در پایان این طومار امضای ۷۰ عضو "کنیست" (پارلمان اسرائیل) از جمله شیمون پرز، اسحاق رابین، ایگال آلون، شلومو موهیلل و آریل شارون هم دیده می‌شد.

کنیست اسرائیل در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱ با تشکیل جلسه‌ی ویژه‌ی قانون انضمام بلندی‌های جولان به اسرائیل را مورد بحث قرار داد و بعد از اظهارات نمایندگان با اکثریت ۶۲ رای موافق اعضای حزب‌های "لیکود" "مفدال" و "کار" در مقابل ۲۱ رای مخالف اعضای حزب‌های کمونیست، "تیلیم" و "شینوی" از تصویب گذراند.

مناخیم بگین نخست وزیر وقت در خلال مذاکرات مجلس اظهار داشت: "من به نیابت از اکثریت قاطع "کنیست" با قاطعیت اعلام می‌کنم که بلندی‌های جولان از جهت تاریخی جزئی از سرزمین اسرائیل بوده و باقی خواهد ماند و در کشور ما و خارج از آن کسی نیست که فکر کند بلندی‌های جولان بخشی از سرزمین ما نیست."

بگین دلایل تصمیم به انضمام را این‌گونه بیان می‌کند: (۱)

(۱) اولاً جولان جزء لایتجزای سرزمین ما می‌باشد و ما بعد از جنگ جهانی اول تلاش بسیاری برای انضمام نقشه‌ی جولان به سرزمین‌هایی که در وعده‌ی بالفور به جنبش صهیونیسم داده شده بود، نمودیم.

(۲) ثانیاً حافظ اسد رییس جمهوری سوریه گفت‌وگو با اسرائیل را رد کرد و از سفر به تل آویو مانند کاری که سادات کرد، خودداری ورزید.

بعد از گفت‌وگوها و دلایلی که در پارلمان مطرح شد، قانون انضمام تصویب شد که متن آن از این قرار است:

(۱) قوانین کشوری و نواحی و ادارات دولتی بر منطقه‌ی بلندی‌های جولان نافذ و لازم‌الاجرا می‌باشد.

(۲) این قانون از تاریخ تصویب آن در "کنیست" قابل اجراست.

(۳) وزیر کشور، مسؤول اجرای این قانون و تهیه‌ی آیین‌نامه‌ی اجرایی آن می‌باشد.

روزنامه‌ی اسرائیلی، "داوار" دلایل تصویب این قانون را به نقل از یک منبع اسرائیلی این‌گونه بیان می‌دارد:

حضور اسرائیل در جولان نه تنها مانعی در مقابل حملات احتمالی سوریه به اسرائیل می‌باشد بلکه تضمین‌کننده‌ی سیطره بر منابع آب و حمایت از اردن در مقابل هجوم سوریه به آن کشور به حساب می‌آید و راه‌های بهره‌برداری از محصولات کشاورزی این منطقه از جمله

مركبات و استفاده از صنايع و جهانگردی در این منطقه را میسر می‌سازد. حرکت شهرک‌سازی در جولان به شکل قابل توجهی بعد از تصویب این قانون افزایش یافت و در اوت ۱۹۸۲ "سمحا ایرلیخ" معاون نخست وزیر اسرائیل و رئیس کمیته‌ی وزارتی شهرک‌سازی، طرح توسعه‌ی شهرک‌سازی و اسکان ۲۰ هزار یهودی جدید را مورد تأیید قرار داد. در نیمه‌ی فوریه‌ی ۱۹۸۳ وزیر کشور "یوسف بورگ" سه کمیته‌ی برنامه‌ریزی برای اسکان جولان و گسترش آن تشکیل داد و تعداد شهرک‌ها تا سال ۱۹۸۲ به ۲۸ شهرک بالغ گردید.^(۷) اسرائیل تا به حال توانسته است با ایجاد شهرک‌ها در اراضی اشغالی جولان چهره‌ی آن را تغییر دهد و تا به حال بیش از ۴۰ شهرک در آن ایجاد کرده و با وجود این که گفت‌وگوهای صلح در جریان است اما برنامه‌ریزی برای دو برابر نمودن تعداد شهرک‌ها هنوز ادامه دارد و تا امروز رهبران اسرائیلی از برنامه‌های خود نکاسته‌اند.

مسأله‌ی قابل توجه در زمینه‌ی شهرک‌سازی در بلندی‌های جولان این است که این شهرک‌ها چند منظوره در نظر گرفته شده و طرح ساخت خانه‌ها را براساس نقشه‌های نظامی و دفاعی طراحی و در همه‌ی این شهرک‌ها مواضع و پناهگاه‌های زیادی احداث کرده‌اند.

مسأله‌ی دیگر این است که اداره‌ی اسکان تا به حال نتوانسته است تمامی برنامه‌های خود را در جولان عملی نماید زیرا که زمین در این منطقه ناهموار است و فقدان خطوط ارتباطی کافی و ادامه‌ی مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل و ترس دایم از حملات احتمالی سوریه به این منطقه سبب گردیده که اقامت و سکونت در این بلندی‌ها با وجود وعده‌های دولت و احزاب اسرائیلی به ساکنین آنجا با استقبال مناسبی روبه‌رو نشود.

جریان‌هایی که تا به حال اتفاق افتاده، مؤید این نکته است که اسرائیل نسبت به حفظ جولان و عدم عقب‌نشینی از آن مُصر است. در حال حاضر در داخل دولت عبری، جریان‌هایی بروز نموده است که خواهان عقب‌نشینی از جولان در مقابل دست‌کشیدن سوریه از آن و ایجاد یک منطقه‌ی خالی از سلاح شده است.

بخش دوم: دیدگاه سوریه و اسرائیل پیرامون بلندی‌های جولان

الف) موضع سنتی حزب کار پیرامون مذاکره با سوریه درخصوص جولان

از زمان اعلان طرح ایگال آلون در سال ۱۹۶۹ حزب کار، سیطره در بلندی‌های جولان را یک ضرورت امنیتی دانسته و از دیدگاه آلون این ضرورت تنها از "جلیل اعلی" و "جلیل سفلی" ناشی نشده بلکه دشت اردن نیز از سوی سوریه مورد تهدید قرار خواهد گرفت که این قسمت بخش‌های مهمی از اسرائیل را تشکیل می‌دهد و حق دفاع کامل از آن را به این دولت می‌بخشد و این ضرورت هم‌چنین ناشی از این مطلب بوده که این منطقه سرچشمه‌ی اصلی آبی است که جنوب کشور را تأمین می‌کند.^(۸)

آلون در طرح خودش امکان چشم‌پوشی از یک سوم بلندی‌های جولان و بازگرداندن آن به سوریه را به عنوان راهی برای گفت‌وگو با این کشور پیشنهاد کرد. درحال حاضر نیز وضع سنتی حزب کار در مورد بلندی‌های جولان تغییر نیافته و آن را هم‌چنان جزء لاینفک اسرائیل می‌داند. دولت سوریه از دیدگاه اسحاق رابین همسایه‌ی بی‌است که بیشترین دشمنی را با اسرائیل داشته و هم‌چنان در مسیر ایجاد توازن راهبردی در مواجهه با اسرائیل گام برمی‌دارد.^(۹) در همین حال شروطی را که اسرائیل بر سوریه تحمیل می‌کند علاوه بر شرایطی است که در صحنه‌ی لبنان (نظیر خروج نیروهای سوریه از لبنان و محدود کردن فعالیت حزب‌الله) از سوریه می‌خواهد تا این کشور در خاک خودش و در دشت بقاع، مانع فعالیت رهبران سازمان‌های فلسطینی افراطی نظیر احمد جبریل ابو موسی - الصاعقه و حبش و غیره گردد.

ب) جولان در اندیشه‌ی رهبران حزب کار

حقیقت موضع حزب کار، پیرامون آینده‌ی جولان و تأثیر آن بر آینده‌ی صلح با سوریه چه می‌باشد؟ ابراهیم عبدالکریم^۱ معتقد است سه جریان اصلی در داخل حزب کار درخصوص جولان وجود دارد:^(۱۰)

۱) گروهی خواستار یک مصالحه‌ی منطقه‌ی بی‌باچشم‌پوشی از بخش اعظم جولان همراه با

۱. پژوهشگر مؤسسه‌ی "الأرض الدراسات الفلسطينية".

اجرای تعدیل‌هایی در مرزهای قبل از ۴ ژوئن ۱۹۶۷ در مقابل برقراری یک صلح کامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی با سوریه است.

(۲) گروهی دیگر که اکثریت غالب را تشکیل می‌دهند، عقب‌نشینی جزئی مرحله‌یی از طریق اجاره دادن جولان به مدت ۲۵ سال را می‌پذیرند.

(۳) گرایش سوم، اندیشه‌ی چشم‌پوشی از کوچک‌ترین جزء جولان را نیز رد می‌کند و بر نیروی ذاتی اسرائیل در تحمیل عمل انجام شده بر سوریه تکیه می‌کند.

با نگرش بر هر سه تفکر مطرح شده، روشن است که اصل عقب‌نشینی کامل از جولان نادیده گرفته شده اما در بخش حفظ شده در جولان و بهایی که سوریه در مقابل آن باید پردازد، اختلاف وجود دارد.

در بررسی اهمیت جولان از دیدگاه اسرائیل ابعاد راهبردی اقتصادی و توریستی و آب را باید مد نظر قرار داد.

از بعد راهبردی، حزب کار - که بر مسایل امنیتی موجود در تورات، تأکید می‌کند - در این که جولان "دیوار نذبه‌ی امنیتی برای اسرائیل در مقابل خطر دایم سوریه است"، نه به صورت تاکتیکی بلکه به صورت راهبردی نگاه می‌کند. با توجه به دشمنی تاریخی سوریه در برابر هر حاکم اجنبی در فلسطین، سوریه، مانع اساسی در برابر توسعه‌ی هر حاکمیتی در فلسطین می‌باشد. در واقع همین اندیشه است که حکومت کار را به سوی اشغال جولان در سال ۱۹۶۷ و استثمار اقتصادی و شهرسازی در آن به صورت کامل کشاند.

از نظر اقتصادی، اسرائیل در دوران حاکمیت حزب کار در خلال ده سال - ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ - پانزده درصد از اراضی جولان را در زمینه‌ی کشاورزی مورد بهره‌برداری قرار داد و طرح اصلی کشاندن آب شمال به جنوب بلندی‌ها را اجرا نمود و یک سوم شهرک‌های کنونی در جولان را که به حدود ۴۰ شهرک می‌رسد، تأسیس کرد.

در زمینه‌ی صنعت، تأسیس کارخانه‌ی مشروب سازی در این منطقه باعث گردیده تا این رژیم سالانه بیش از نیم میلیون بطری مشروب به کشورهای غربی صادر کند. هم‌چنین در زمینه‌ی صنعت توریسم این رژیم بر روی دیدار دو میلیون توریسم از این منطقه در سال حساب باز کرده است. به طور کلی در مجموع این بلندی‌ها از بعد اقتصادی در حدود یک

میلیارد دلار در سال برای این رژیم درآمد دارد. (۱۱)

در زمینه‌ی مسایل آب، پرواضح است که آب‌های سطحی در جولان یک چهارم آب‌های دریای طبریا که منبع اصلی آب در اسرائیل است را تشکیل می‌دهد و از دیدگاه صهیونیست جبل‌الشیخ، ابومیاه به معنای پدر آب در اسرائیل است.

تمامی این عوامل، اندیشه‌ی حزب کار در مورد جولان را تشکیل می‌دهد که در مقایسه با لیکود چندان تفاوتی نداشته و نمایندگان حزب کار که جناح اکثریت (۷۷ کرسی) را در سال ۱۹۸۱ تشکیل می‌دادند، خواستار اجرای قوانین اسرائیل بر بلندی‌های اشغالی جولان شدند.

باتوجه به مسایل مذکور می‌توان گفت: "به طور کلی عواملی که اندیشه‌ی صهیونیست‌ها در مورد جولان را تشکیل می‌دهد، عبارتند از:

- (۱) موقعیت راهبردی بلندی‌ها در برابر خطر تهاجم سوریه
- (۲) بهره‌مندی اقتصادی اسرائیل از این ارتفاعات در چند بعد کشاورزی، صنعتی و جهانگردی

(۳) منابع آب در این بلندی‌ها و نیاز این رژیم به آب‌های سطحی سرشار این منطقه

ج) اهمیت جولان از نظر سوریه

پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل و به اشغال درآمدن بخش‌هایی از خاک سوریه، اگرچه سوریه‌ها توانستند در جنگ بعدی (۱۹۷۳) بخش‌هایی از این منطقه را از اسرائیل باز پس بگیرند، باقی ماندن بلندی‌های جولان در دست اسرائیل هم‌چنان عامل ادامه‌ی درگیری بین سوریه و اسرائیل بوده است.

با وجود آن که سوریه در دوران حاکمیت نظام دوقطبی بر جهان می‌کوشید تا با تکیه بر بلوک شرق و اخذ کمک‌های تسلیحاتی و سیاسی شوروی توازن راهبردی با اسرائیل را حفظ کند اما هیچ‌گاه بر روی باز پس‌گیری این منطقه از اسرائیلی‌ها از طریق یک تهاجم نظامی حساب باز نکرده است. حتی زمانی که اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۱ با گذراندن طرحی از کنیست جولان را رسماً به خاک اسرائیل منضم نمودند، سوریه تنها به یک سری تلاش‌های

دیپلماتیک محدود دست زد.

حکومت سوریه جلسه‌ی اضطراری تشکیل داد و با صدور بیانیه‌ی اعلام کرد که این کشور از تلاش خود در راه دفاع از خاک و مصالح ملی دست بر نمی‌دارد. در این بیانیه ضمن دعوت از کلیه‌ی کشورهای عرب برای ایستادن در کنار موضع سوریه، توافقنامه‌ی آتش بس با اسرائیل - پس از جنگ ۱۹۷۳ - را ملغی اعلام نمود. اما در این زمینه که آیا سوریه به یک اقدام نظامی دست خواهد زد یا نه، نخست وزیر وقت سوریه به صورت غیرمستقیم گفت که سوریه نیروی کافی را در این برهه از زمان برای پاسخ نظامی به اسرائیل ندارد. (۱۲)

با شروع تغییرات جدید در صحنه‌ی جهانی و پس از سلسله تغییرات زیربنایی در اردوگاه شرق که منجر به ارایه‌ی شکل نوینی از سیاست‌های جهان سومی روس‌ها شد (پروستریکا)، سوریه دریافت که شوروی با اجرای سیاست‌های جدید اولویت‌های خود را دگرگون ساخته است و نخستین رکن سیاست جدید شوروی تحکیم روابط با امریکاست. سوری‌ها که در آینده، قدرت سیاسی خود را در تلاطم ناپایدار منطقه‌ی چندان امیدوارکننده نمی‌دیدند، لاجرم فصل جدید سیاسی خود را بر مبنای انطباق با نظام‌ها و ساز و کارهای نوین منطقه‌ی و جهانی بنا کردند. به طور کلی سیاست منطقه‌ی نوین سوریه تدریجاً بر سه محور مشخص زیر قرار گرفت:

(۱) حذف فاز نظامی در مواجهه با اسرائیل

(۲) توجه وافر به روش‌های سیاسی انسانی و مذاکات فزاینده

(۳) گسترش و عمق بخشیدن به صحنه‌ی روابط بین عربی خود

درخصوص دو محور اولیه، باید گفت سوریه همواره در مواضع خود بر تشکیل کنفرانس بین‌المللی صلح به منظور اجرای قطعنامه‌هایی ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت تأکید کرده است. اما در پرتو شرایط جدید حاکم بر جهان و منطقه، سوری‌ها ناچار از پذیرش طرح صلحی از سوی امریکا شدند که در آن سازمان ملل نمی‌توانست نقشی داشته باشد.

در هر حال سوری‌ها تنها با تکیه بر وعده‌های داده شده از سوی امریکا به بهای هم پیمانی در بحران خلیج فارس و با این امید که با اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ و رعایت اصل مبادله‌ی زمین در برابر صلح بتواند جولان را بار دیگر به خاک سوریه بازگرداند، وارد

معرکه‌ی صلح شده‌اند.

ارزیابی

در بررسی این که تحت شرایط جدید حاکم بر منطقه سوریه تا چه حد می‌تواند در امر بازگرداندن جولان در چارچوب مذاکرات جاری صلح موفق گردد، ناچار از پرداختن به راه‌های معامله‌ی اسرائیل با سوریه و این که رهبران جدید اسرائیل در عقب نشینی از جولان چه موازنه‌هایی را برقرار خواهند کرد، می‌باشیم.

به طور کلی موضع سوریه در رسیدن به صلح با اسرائیل بر محورهای زیر استوار است:

۱) عقب‌نشینی کامل نیروهای اسرائیل به مرز ۴ ژوئن ۱۹۶۷

۲) اصرار به ایجاد ترتیبات امنیتی متوازن و مساوی

۳) تکیه بر پیوند بین سوریه و لبنان (باتوجه به استفاده‌ی سوریه از برگ مقاومت در لبنان و نیز تثبیت موقعیت و جایگاه سوریه در این کشور در آینده)

از این رو سوریه می‌کوشد تا در پرتو پافشاری مواضع مذکور دو هدف عمده زیر را محقق سازد:

اول: باز پس‌گیری کامل بلندی‌های جولان. تحقق این هدف، بزرگ‌ترین دست‌آورد برای حافظ اسد رییس جمهور سوریه خواهد بود.

دوم: تثبیت موقعیت سوریه و لبنان. چرا که از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری موقعیت منطقه‌ی سوریه حفظ پیوندهای خود با لبنان می‌باشد.

به دنبال تحولات چند سال اخیر در صحنه‌ی جنوب لبنان در سایه‌ی استمرار عملیات‌های نیروهای مقاومت اسلامی علیه نیروهای صهیونیستی و مزدوران آن در کمربند امنیتی و شمال فلسطین اشغالی، اسرائیل در مقابله با این حملات، روند جدیدی را در پذیرش اصل عقب‌نشینی از جنوب لبنان در پیش گرفته است. در این راستا در اواخر دوره‌ی حاکمیت نتانیاهو قطعنامه‌ی ۴۲۵ شورای امنیت به عنوان محور اجرای عقب‌نشینی از جنوب لبنان از سوی این رژیم پذیرفته شد.

با روی کار آمدن باراک وی براساس این واقعیت که جنوب لبنان اولویت اساسی در

تأمین امنیت این رژیم به شمار می‌رود و وعده‌ی خروج نیروهای این رژیم از لبنان را طی یکسال اعلام کرد.

به طور کلی وضعیت حاکم بر روند مذاکرات سوریه با اسرائیل در حال حاضر به شکل زیر می‌باشد:

(۱) پذیرش مذاکرات از نقطه‌یی که در سال ۱۹۹۶ با سوریه از سوی اسرائیل با توجه به تفسیر خاص آنها از نقاط مذکور قطع گردید.

(۲) اصرار سوریه به از سرگیری مذاکرات از نقطه‌یی که در سال ۱۹۹۶ قطع گردید با تأکید بر اعلام پذیرش خروج کامل نیروهای صهیونیستی از بلندی‌های جولان قبل از ورود به هرگونه مذاکره. سوری‌ها اعلام می‌کنند که در طول مذاکرات بین این کشور با اسرائیل در دوره‌ی حاکمیت اسحق رابین و شیمون پرز مقام‌های اسرائیل عقب نشینی تا مرز ۴ ژوئن ۱۹۶۷ را پذیرفته‌اند و این امر در صورت جلسه‌ی مذاکرات نزد امریکایی‌ها به ثبت رسیده است.

سوریه بر اجرای عقب‌نشینی تا خط ۴ ژوئن ۱۹۶۷ تأکید دارد و می‌کوشد تا این مسأله را به عنوان خط قرمز و غیرقابل گذشت در صحنه‌ی بین‌المللی و منطقه‌یی جا بیندازد از این رو سوری‌ها تلاش می‌کنند قبل از آغاز مذاکرات تضمین این امر را از جانب امریکا و اسرائیل دریافت نمایند.

(۳) پذیرش قطعنامه‌ی ۴۲۵ شورای امنیت از سوی اسرائیل و تلاش این رژیم برای جداساختن محور لبنان از سوریه

(۴) لبنانی‌ها سیاست هم‌سویی با سوریه را در پیش گرفته‌اند. در این راستا سوریه تاکنون در نگاه داشتن لبنان در کنار خود کاملاً موفق بوده است.

در مجموع مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در آینده‌ی مذاکرات سوریه و اسرائیل میزان چگونگی عقب‌نشینی از بلندی‌های جولان خواهد بود که این امر به عوامل زیربستگی دارد:

(۱) سوریه در مقابل عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی چه بهایی را می‌پردازد. (این مسأله به ویژه در صحنه‌ی لبنان قابل طرح می‌باشد)

(۲) چگونگی برقراری موازنه در مورد آب از سوی اسرائیل بین حفظ برخی منابع در منطقه

- با حفظ وضع موجود و یا مشارکت در کل مسایل آب منطقه
- ۳) چگونگی برقراری موازنه بین درآمدهای اقتصادی ناشی از فعالیت‌های این رژیم در جولان و حمایت‌ها و کمک‌های مالی غرب و ورود به همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه. به این ترتیب با بررسی وضعیت موجود باید گفت: "مذاکرات چند جانبه و چگونگی مشارکت سوریه در آن به ویژه در کمیته‌های آب و توسعه‌ی اقتصادی و نحوه‌ی همکاری این کشور با اسرائیل تأثیر بسیاری در وضعیت آینده‌ی جولان خواهد داشت.
- ۴) نقش و تصمیم دولت امریکا در مورد آینده‌ی مذاکرات
- ۵) نقش و تأثیر تحولات داخلی اسرائیل و میزان تأثیرگذاری جناح‌های مختلف در چگونگی عقب نشینی از جولان.

کتاب شناسی

۱. روزنامه‌ی الحیات چاپ لندن مورخ ۱۹۹۱/۱۰/۵
۲. روزنامه‌ی الحیات چاپ لندن مورخ ۱۹۹۱/۱۲/۱۳
۳. روزنامه‌ی تشرین چاپ سوریه مورخ ۱۹۹۱/۱۱/۷
۴. روزنامه‌ی تشرین چاپ سوریه مورخ ۱۹۹۱/۱۱/۱۵
۵. روزنامه‌ی الحیات چاپ لندن مورخ ۱۹۹۱/۱۰/۵ و "روزنامه تشرین" مورخ ۱۹۹۱/۱۰/۷
۶. روزنامه‌ی الحیات چاپ لندن مورخ ۱۹۹۱/۱۰/۵
۷. همان منبع.
۸. فصلنامه‌ی الدراسات الفلسطينية بهار ۱۹۹۱ شماره‌ی ششم
۹. همان منبع.
۱۰. روزنامه‌ی "الحیات" چاپ لندن مورخ ۱۹۹۲/۷/۱۹
۱۱. همان منبع.
۱۲. دکتر عبدالستار قاسم "مرتفعات جولان ۱۹۸۵-۱۹۶۷" صفحه ۱۰۹.